



اثر: محمدجواد مغنیه

حین حقانی

## خدا و عقل

خوانندگان محترم در شماره قبل، مطالبی را تحت عنوانهای زیر: در راه خداشناسی - به تخصص هر علم ورشته‌ای باید مراجعہ کرد - پس خدا را کی خلق کرد؟ ۱۸ - آیا طبیعت خالق موجودات است؟ ۱۹ آیا ایمان بخدا مخلوق فکری آدمی است؟ ۲۰ مطالعه فرمودید اینک پیشه‌ای در مقاله اوقات عنایین: آیا آفریدگار جهان مکانی دارد؟ آیا خداوند قابل رؤیت است؟ ۲۱ مطالعه میفرمائید.

### آیا آفریدگار جهان مکانی دارد؟

یکی دیگر از اشکالات متکررین خالق عالم بر الیهون این است که می‌گویند: اگر این عالم خالق عالم و قادر دارد لابد مکانی دارد و آن کجا است؟ قبل از اینکه بجواب آن بپردازیم تذکر این نکته لازم است که اغلب اشکالات وارده بر وجود خدای جهان، مثل اینکه خدا کجا است، و در چه زمانی وجود پیدا کرده است؟ و... از اینجا سرچشمی گیرد که متکررین خدا، آفریدگار جهان را بمخلوقات تشبیه می‌کنند و او را در عدا و در دین سایر موجودات می‌شمارند در حالیکه خدای موجودات علت پیدایش وجود آنها بوده و وجود او از خود او و ذاتی است و وجود سایر موجودات از او است. باتوجه باین اصل اساسی جای تردید نیست که خداوند مکان مخصوص نداشته و خارج از ظرف زمان و مکان است و وجود بر او ذاتی بوده و وجود در هیچ زمانی از او منقذ نمی‌شود.

از این واضح است که سوال شود: آتش درجه زمانی حرارت داشته و حرارت درجه مکانی برای آتش لازم است؟

و همچنین صحیح نیست سوال شود: جسم درجه زمانی و درجه مکانی قابلیت مبادسه گانه را دارد؟ مگر ممکن است در یک زمان و مکانی حرارت و قابلیت مبادسه گانه داشتن آتش و جسم منتهک شود تا این سوال موردی پیدا کند؟ و علاوه بر این، اصولاً از نظر عقل صحیح نیست خداوندی که مافوق ماده و خصوصیات ماده است خصوصیات جسم را از قبیل زمان و مکان و وزن و شکل و رنگ و... داشته باشد زیرا خداوند جسم نیست و الا احتیاج در اولاد می آید. ناگفته پیداست که عقیده الهیون در اینکه برای خداوند مکانی نیست و درجه خاصیت موجب تناقض نیست زیرا منظور از این جمله که خداوند در همه جا هست این است که آثار قدرت و عظمتش در همه جا بارز و آشکار است و در همین حال در هیچ مکانی حلول نکرده است.

### آیا خداوند قابل رؤیت است؟

بعضی از کوفه فکرها خدای غیر مرئی را انکار میکنند. بدلیل اینکه آنرا مثل سایر اجسام با حواس شاعری درک نمی کنند. آنها از این حقیقت غافلند که بعضی از موجودات عالم طبیعت حتی با چشم مسلح نیز قابل رؤیت نیستند چنانکه دانشمندان طبیعی خود اعتراف می کنند که در عالم طبیعت ذرات بسیار کوچکی (الکترون و پروتون و...) وجود دارند که با چشم مسلح نیز دیده نمی شوند. با این وصف صحیح است خدایی که موجود این عالم است و خارج از ظرف زمان و مکان است و جسم نیست با چشم دیده نشده؟ و چون با چشم دیده نمی شود پس وجود ندارد؟ آری این اشکال بر آن مدار افرازی که خدا را مثل سایر موجودات طبیعی جسم می دانند وارد است و باید از این اشکال جواب بگویند.

چنانچه آورده است استلال بعضی ارافاد، در مقام انکار خالق جهان باین طریق که: در عصر مفرقی که در پیشرفت صنایع و علوم کشف معادلات دقیق و قوانین محکم ریاضی هر اندازه در عالم طبیعت تحقیقات بیشتری می نمایم تا ظاهر خدای جهان را بیایم ولی اثری از خدای عالم نمی بینیم! اگر موجود بود چرا اینها نیز بآن دست می بینیم؟ پس لابد وجود ندارد! در این استدلال سفسطه پطاهر آراستهای بکار گرفته است و برای روشن کردن محل سفسطه، توضیح خوانندگان گرامی را بچند مطلب اساسی زیر جلب میکنیم:

۱ - چنانکه سابقاً گفتیم خدای تعالی جسم نیست و آثار جسم را نیز ندارد. بلکه وجود وی نحوه خاصی است که با هیچ یک از موجودات عالم طبیعت شامش ندارد و لذا بی هیچ وجه تحت تجربه و آزمونش در نمی آید.

۲ - علوم صنایع و پیشرفت علوم طبیعی و ریاضی باین همه پیشرفت محیر العقول کنونی هنوز نتوانسته پردهایها را از روی اسرار بی شمار عالم طبیعت بردارد پس چگونه می توان ادعا کرد: چون در ضمن تحقیقات علمی بوجود مدبر قدری بر نخورده ایم پس وجود ندارد؟!؟

۳ - در عالم وجود یعنی از حقایق و موجودات مثل عقل و نفس و غیره از نظری قابل رؤیت نیستند پس در این صورت چگونه صحیح است موجودی را که با چشم دیده نمی شود منکر شد؟ در اینجا مآولی باقی میماند و آن اینکه اگر آثار پروردگار، خالق جهان در خلقت موجودات آشکار است و در این عالم خلقت دلیل بارز وجود آفریدگار جهان است پس چرا وجودش بر افکار عده ای مخفی بود و آنرا انکار می کنند؟ آیا صحیح است خورشید را باینکه اشعه فروغ آنرا با چشم خود می بینیم منکر شد؟

در جواب این سوال باید گفت که گاهی از اوقات شدت فروغ و ظهور فوق العاده موجب غلبه می شود. از اینهاست که پیوستگی زیاد حالات انسانی سبب می شود که انسان چنانکه باید و خواهد وجود آنها را درنگ کند و از آنرو است که لذت باالم اگر مدتی استمرار پیدا کند انسان وجود آنها را اساساً نمی کند و بصورت یثامر عادی در می آید.

کلمات گهربار امام علی (ع) نیز همین معنی دلالت می کند: «فصبحان الذی دل علی ذاته بانه و کفر عن معجانه مخلوقاته و اخفی عن الخلق لشدته ظهوره و احتجب عنهم باشراق نوره» (۱)

(۱) مطالعه سیر خداشناسی در افکار بشر از زمانهای پیشین و دورانهای جهل و نادانی و عدم پیشرفت علم تا امروز که عصر ترقی علم و دانش است ما را باین حقیقت راهنمایی می کند که افراد بصری وای خدا، آفریدگار جهان تسویری مناسب با اوضاع روحی و شرایط محیط زندگی خود و آن شرایط را تکامل می بخشد. در ادیان خود ساخته و خواسته اند آنرا بر عالم خارج نیز تطبیق نمایند، و موانع تطبیق را بنحوی از افشاء بر طرف سازند و با توجیه و تأویل کنند و عقل اصل سبب گمراهی فکر آنها شده، اشتباهات کثیری در مسأله خداشناسی برای آنها ایجاد کرده است. روی همین حساب لازمست در این مسأله که از مسائل مهم دینی و عقیده ای بشمار میرود هشواره واقع را چنانکه هست در نظر بگیرند و لو بادر نظر گرفتن احتمالیهای بزرگان دین و صاحبان وحی نامر تکلیب اشتباهات بشاری نشوند.

در مورد صفات جلال و جمال پروردگار نیز به اجمال میگوئیم که هر صفتی که عقل انصاف خداوند را با مقتضای ممکن فرض کند ثبوت آن بر ای خداوند ضروری و لازم است و در مقابل آن هر صفت ناشایسته ای را که عقل آنرا از ذات پروردگار سلب میکند ثبوت آن برای ذات پروردگار از نظر عقل مجال است.